

## یسوع یشفی المولود أعمی

<sup>1</sup> وَفِيمَا هُوَ مُجْتَازٌ رَأَى إِنْسَانًا أَعْمَى مُنْذُ وَلَدِهِ. <sup>2</sup> فَسَأَلَهُ تَلَامِيذُهُ قَائِلِينَ: يَا مُعَلِّمُ، مَنْ أَخْطَأَ، هَذَا أَمْ أَبَوَاهُ، حَتَّى وُلِدَ أَعْمَى؟ أَجَابَ يَسُوعُ: لَا هَذَا أَخْطَأَ وَلَا أَبَوَاهُ، لَكِنْ لِيُظْهَرَ أَعْمَالُ اللَّهِ فِيهِ. <sup>4</sup> يَنْبَغِي أَنْ أَعْمَلَ أَعْمَالَ الَّذِي أُرْسَلَنِي مَا دَامَ تَهَارٌ، يَأْتِي لَيْلٌ حِينَ لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَعْمَلَ. <sup>5</sup> مَا دُمْتُ فِي الْعَالَمِ قَاتَا نُورَ الْعَالَمِ.

<sup>6</sup> قَالَ هَذَا وَتَقَلَ عَلَى الْأَرْضِ وَصَنَعَ مِنَ التُّفْلِ طِينًا وَطَلَى بِالطِّينِ عَيْنَيِ الْأَعْمَى. <sup>7</sup> وَقَالَ لَهُ: اذْهَبْ، اغْتَسِلْ فِي بَرْكَةِ سِلْوَامَ، الَّذِي تَفْسِيرُهُ: مُرْسَلٌ. فَمَضَى وَاغْتَسَلَ وَأَتَى بِصِيرًا.

## المولود أعمی يواجه التَّاموسيين

<sup>8</sup> فَالْجَبَرَانُ وَالَّذِينَ كَانُوا يَرْوُّهُ قَبْلًا أَنَّهُ كَانَ أَعْمَى قَالُوا: أَلَيْسَ هَذَا هُوَ الَّذِي كَانَ يَجْلِسُ وَيَسْتَعْطِي؟ <sup>9</sup> آخَرُونَ قَالُوا: هَذَا هُوَ، وَآخَرُونَ: إِنَّهُ يُشَبِّهُهُ. وَأَمَّا هُوَ فَقَالَ: إِنِّي أَنَا هُوَ. فَقَالُوا لَهُ: كَيْفَ انْفَتَحَتْ عَيْنَاكَ؟ أَجَابَ ذَلِكَ وَقَالَ: إِنْسَانٌ، يُقَالُ لَهُ يَسُوعُ، صَنَعَ طِينًا وَطَلَى عَيْنَيَّ وَقَالَ لِي: اذْهَبْ إِلَى بَرْكَةِ سِلْوَامَ وَاغْتَسِلْ، فَمَضَيْتُ وَاغْتَسَلْتُ فَأَبْصُرْتُ. <sup>12</sup> فَقَالُوا لَهُ: أَيْنَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لَا أَعْلَمُ.

<sup>13</sup> فَأَنُورُوا إِلَى الْقَرَسِيِّينَ بِالَّذِي كَانَ قَبْلًا أَعْمَى. <sup>14</sup> وَكَانَ سَبْتُ حِينَ صَنَعَ يَسُوعُ الطِّينَ وَفَتَحَ عَيْنَيْهِ. <sup>15</sup> فَسَأَلَهُ الْقَرَسِيُّونَ أَيْضًا كَيْفَ أَبْصَرَ، فَقَالَ لَهُمْ: وَصَعَ طِينًا عَلَى عَيْنَيَّ وَاغْتَسَلْتُ، فَأَنَا أَبْصِرُ. <sup>16</sup> فَقَالَ قَوْمٌ مِنَ الْقَرَسِيِّينَ: هَذَا الْإِنْسَانُ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ لِأَنَّهُ لَا يَحْفَظُ السَّبْتَ. آخَرُونَ قَالُوا: كَيْفَ يَغْدِرُ إِنْسَانٌ خَاطِئٌ أَنْ يَعْمَلَ مِثْلَ هَذِهِ الْآيَاتِ؟ وَكَانَ بَيْنَهُمُ انْتِشَاقٌ. <sup>17</sup> قَالُوا أَيْضًا لِلْأَعْمَى: مَاذَا تَقُولُ أَنْتَ عَنْهُ مِنْ حَيْثُ إِنَّهُ فَتَحَ عَيْنَيْكَ؟ فَقَالَ: إِنَّهُ نَبِيٌّ. <sup>18</sup> فَلَمْ يُصَدِّقِ الْيَهُودُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ أَعْمَى فَأَبْصَرَ حَتَّى دَعَا أَبَوَيِ الَّذِي أَبْصَرَ. <sup>19</sup> فَسَأَلُوهُمَا قَائِلِينَ: أَهَذَا ابْنُكُمَا الَّذِي تَقُولَانِ إِنَّهُ وُلِدَ أَعْمَى؟ فَكَيْفَ يُبْصِرُ الْآنَ؟ <sup>20</sup> أَجَابَهُمَا أَبَوَاهُ وَقَالَا: نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا ابْنُنَا وَأَنَّهُ وُلِدَ أَعْمَى، وَأَمَّا كَيْفَ يُبْصِرُ الْآنَ فَلَا نَعْلَمُ، أَوْ مِنْ فَتَحَ عَيْنَيْهِ فَلَا نَعْلَمُ. هُوَ كَامِلُ السَّنِّ، اسْأَلُوهُ فَهُوَ يَتَكَلَّمُ عَنْ نَفْسِهِ. <sup>22</sup> قَالَ أَبَوَاهُ هَذَا لِأَنَّهُمَا كَانَا يَخَافَانِ مِنَ الْيَهُودِ، لِأَنَّ الْيَهُودَ كَانُوا قَدْ تَعَاهَدُوا أَنَّهُ إِنْ اعْتَرَفَ أَحَدٌ بِأَنَّهُ الْمَسِيحُ يُخْرَجُ مِنَ الْمَجْمَعِ. <sup>23</sup> لِذَلِكَ قَالَ أَبَوَاهُ: إِنَّهُ كَامِلُ السَّنِّ، اسْأَلُوهُ. <sup>24</sup> فَدَعَا ثَانِيَةً الْإِنْسَانَ الَّذِي كَانَ أَعْمَى وَقَالُوا لَهُ: أُعْطِ

## عیسی کور مادرزاد را شفا داد

<sup>1</sup> و وقتی که می‌رفت، کوری مادرزاد دید. <sup>2</sup> و شاگردانش از او سؤال کرده، گفتند: ای استاد، گناه که کرد، این شخص یا والدین او که کور زاییده شد؟ عیسی جواب داد که: گناه نه این شخص کرد و نه پدر و مادرش، بلکه تا اعمال خدا در وی ظاهر شود. <sup>4</sup> مادامی که روز است، مرا باید به کارهای فرستنده خود مشغول باشم. شب می‌آید که در آن هیچ‌کس نمی‌تواند کاری کند. <sup>5</sup> مادامی که در جهان هستم، نور جهانم.

<sup>6</sup> این را گفت و آب دهان بر زمین انداخته، از آب گِل ساخت و گِل را به چشمان کور مالید، <sup>7</sup> و بدو گفت: برو در حوض سیلوحا، که به معنی مُرْسَلاست، بشوی. پس رفته شست و بینا شده، برگشت.

<sup>8</sup> پس همسایگان و کسانی که او را پیش از آن در حالت کوری دیده بودند، گفتند: آیا این آن نیست که می‌نشست و گدایی می‌کرد؟ بعضی گفتند: همان است. و بعضی گفتند: شباهت بدو دارد. او گفت: من همانم. <sup>10</sup> بدو گفتند: پس چگونه چشمان تو باز گشت؟ <sup>11</sup> او جواب داد: شخصی که او را عیسی می‌گویند، گِل ساخت و بر چشمان من مالیده، به من گفت به حوض سیلوحا برو و بشوی. آنگاه رفتم و شسته بینا گشتم. <sup>12</sup> به وی گفتند: آن شخص کجا است؟ گفت: نمی‌دانم.

<sup>13</sup> پس او را که پیشتر کور بود، نزد فریسیان آوردند. <sup>14</sup> و آن روزی که عیسی گِل ساخته، چشمان او را باز کرد، روز سَبْت بود. <sup>15</sup> آنگاه فریسیان نیز از او سؤال کردند که چگونه بینا شدی؟ بدیشان گفت: گِل به چشمهای من گذارد. پس شستم و بینا شدم. <sup>16</sup> بعضی از فریسیان گفتند: آن شخص از جانب خدا نیست، زیرا که سَبْت را نگاه نمی‌دارد. دیگران گفتند: چگونه شخص گناهکار می‌تواند مثل این معجزات ظاهر سازد؟ و در میان ایشان اختلاف افتاد. <sup>17</sup> باز بدان کور گفتند: تو درباره او چه می‌گویی که چشمان تو را بینا ساخت؟ گفت: نمی‌دانم. <sup>18</sup> لیکن یهودیان سرگذشت او را باور نکردند که کور بوده و بینا شده است، تا آنکه پدر و مادر آن بینا شده را طلبیدند. <sup>19</sup> و از ایشان سؤال کرده، گفتند: آیا این است پسر شما که می‌گویند کور متولد شده؟ پس چگونه الحال بینا گشته است؟ <sup>20</sup> پدر و

مادر او در جواب ایشان گفتند: می‌دانیم که این پسر ما است و کور متولد شده.<sup>21</sup> لیکن الحال چطور می‌بیند، نمی‌دانیم و نمی‌دانیم که چشمان او را باز نموده. او بالغ است از وی سؤال کنید تا او احوال خود را بیان کند.<sup>22</sup> پدر و مادر او چنین گفتند زیرا که از یهودیان می‌ترسیدند، از آنرو که یهودیان با خود عهد کرده بودند که هر که اعتراف کند که او مسیح است، از کنیسه بیرونش کنند.<sup>23</sup> و از اینجهت والدین او گفتند: او بالغ است از خودش بپرسید.

<sup>24</sup> پس آن شخص را که کور بود، باز خوانده، بدو گفتند: خدا را تمجید کن. ما می‌دانیم که این شخص گناهکار است.<sup>25</sup> او جواب داد: اگر گناهکار است، نمی‌دانم. یک چیز می‌دانم که، کور بودم و الآن بینا شده‌ام.<sup>26</sup> باز بدو گفتند: با تو چه کرد و چگونه چشمهای تو را باز کرد؟<sup>27</sup> ایشان را جواب داد که: الآن به شما گفتم. نشنیدید؟ و برای چه باز می‌خواهید بشنوید؟ آیا شما نیز اراده دارید شاگرد او بشوید؟<sup>28</sup> پس او را دشنام داده، گفتند: تو شاگرد او هستی. ما شاگرد موسی می‌باشیم.<sup>29</sup> ما می‌دانیم که خدا با موسی تکلم کرد. اما این شخص را نمی‌دانیم از کجا است.<sup>30</sup> آن مرد جواب داده، بدیشان گفت: این عجب است که شما نمی‌دانید از کجا است و حال آنکه چشمهای مرا باز کرد.<sup>31</sup> و می‌دانیم که خدا دعای گناهکاران را نمی‌شنود؛ و لیکن اگر کسی خداپرست باشد و اراده او را بجا آرد، او را می‌شنود.<sup>32</sup> از ابتدای عالم شنیده نشده است که کسی چشمان کور مادرزاد را باز کرده باشد.<sup>33</sup> اگر این شخص از خدا نبودی، هیچ کار نتوانستی کرد.<sup>34</sup> در جواب وی گفتند: تو به کلی با گناه متولد شده‌ای. آیا تو ما را تعلیم می‌دهی؟ پس او را بیرون راندند.

<sup>35</sup> عیسی چون شنید که او را بیرون کرده‌اند، وی را جست، گفت: آیا تو به پسر خدا ایمان داری؟<sup>36</sup> او در جواب گفت: ای آقا، کیست تا به او ایمان آورم؟<sup>37</sup> عیسی بدو گفت: تو نیز او را دیده‌ای و آنکه با تو تکلم می‌کند همان است.<sup>38</sup> گفت: ای خداوند، ایمان آوردم. پس او را پرستش نمود.

<sup>39</sup> آنگاه عیسی گفت: من در این جهان بجهت داوری آمدم تا کوران بینا و بینایان، کور شوند.<sup>40</sup> بعضی از فریسیان که با او بودند، چون این کلام را شنیدند

مَجْدًا لِلَّهِ، تَحْنُ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْإِنْسَانَ خَاطِئٌ.<sup>25</sup> قَا جَابَ ذَاكَ وَقَالَ: أَحَاطِئُ هُوَ؟ لَسْتُ أَعْلَمُ. إِنَّمَا أَعْلَمُ سَبِيئًا وَاجِدًا، أَنِّي كُنْتُ أَعْمَى وَالْآنَ أَبْصِرُ.<sup>26</sup> فَقَالُوا لَهُ أَيْضًا: مَاذَا صَنَعَ بِكَ؟ كَيْفَ فَتَحَ عَيْنَيْكَ؟<sup>27</sup> أَجَابَهُمْ: قَدْ فُلْتُ لَكُمْ وَلَمْ تَسْمَعُوا، لَمَّاذَا تُرِيدُونَ أَنْ تَسْمَعُوا أَيْضًا؟ أَلَعَلَّكُمْ أَنْتُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَصِيرُوا لَهُ تَلَامِيذٌ؟<sup>28</sup> فَسْتَمَوْهُ وَقَالُوا: أَنْتَ تَلْمِزُ ذَاكَ، وَأَمَّا تَحْنُ قَائِلًا تَلَامِيذُ مُوسَى. تَحْنُ تَعْلَمُ أَنَّ مُوسَى كَلَّمَهُ اللَّهُ، وَأَمَّا هَذَا فَمَا تَعْلَمُ مِنْ أَيْنَ هُوَ.<sup>30</sup> أَجَابَ الرَّجُلُ وَقَالَ لَهُمْ: إِنَّ فِي هَذَا عَجَبًا إِنَّكُمْ لَسْتُمْ تَعْلَمُونَ مِنْ أَيْنَ هُوَ وَقَدْ فَتَحَ عَيْنَيَّ؟<sup>31</sup> وَتَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ لَا يَسْمَعُ لِلْخَطَاةِ، وَلَكِنْ إِنْ كَانَ أَحَدٌ يَبْقَى اللَّهُ وَيَفْعَلْ مَشِيئَتَهُ فَلِهَذَا يَسْمَعُ.<sup>32</sup> مُنْذُ الدَّهْرِ لَمْ يَسْمَعْ أَنَّ أَحَدًا فَتَحَ عَيْنَيَّ مَوْلُودٍ أَعْمَى.<sup>33</sup> لَوْ لَمْ يَكُنْ هَذَا مِنَ اللَّهِ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَفْعَلَ سَبِيئًا.<sup>34</sup> أَجَابُوا وَقَالُوا لَهُ: فِي الْخَطَايَا وُلِدْتَ أَنْتَ يُحْمَلُوكَ وَأَنْتَ تُعَلِّمُنَا؟ فَاحْرَجُوهُ خَارِجًا.

### المولود أعمى يواحه يسوع

<sup>35</sup> فَسَمِعَ يَسُوعُ أَنَّهُمْ أَحْرَجُوهُ خَارِجًا فَوَجَدَهُ وَقَالَ لَهُ: أَتُؤْمِنُ يَا ابْنَ اللَّهِ؟<sup>36</sup> أَجَابَ ذَاكَ وَقَالَ: مَنْ هُوَ يَا سَيِّدُ، لِأُؤْمِنَ بِهِ؟<sup>37</sup> فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: قَدْ رَأَيْتُهُ وَالَّذِي يَتَكَلَّمُ مَعَكَ هُوَ هُوَ.<sup>38</sup> فَقَالَ: أُوْمِنُ، يَا سَيِّدُ، وَسَجَدَ لَهُ.<sup>39</sup> فَقَالَ يَسُوعُ: لِذَبْتُوتِي أَتَيْتُ أَنَا إِلَى هَذَا الْعَالَمِ حَتَّى يُبْصِرَ الَّذِينَ لَا يُبْصِرُونَ وَيَعْمَى الَّذِينَ يُبْصِرُونَ.<sup>40</sup> فَسَمِعَ هَذَا الَّذِينَ كَانُوا مَعَهُ مِنَ الْقَرَبِيِّينَ وَقَالُوا لَهُ: أَلَعَلَّنَا تَحْنُ أَيْضًا عُمَيَّا؟<sup>41</sup> قَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: لَوْ كُنْتُمْ عُمَيَّا لَمَا كَانَتْ لَكُمْ خَطِيئَةٌ، وَلَكِنْ الْآنَ تَقُولُونَ: إِنَّمَا تُبْصِرُ، فَخَطِئَتِكُمْ بَاقِيَةٌ.

گفتند: آیا ما نیز کور هستیم؟<sup>41</sup> عیسی بدیشان گفت:  
اگر کور می‌بودید گناهی نمی‌داشتید و لکن الآن  
می‌گویید: بپنا هستیم، پس گناه شما می‌ماند.